

۲۰۳۵۱۷۸

بازنویسی منتهی الآمال

گزارشی مختصر و روان از زندگانی

حضرت امام مجتبی علیه السلام

بازنویسی: زهره دهدشت

با نظارت: دکتر عبدالحسین طالعی



انتشارات نیا

سرشناسه: دهدشت، زهره، ۱۳۴۷
 عنوان و پدیدآور: گزارشی مختصر و روان از زندگانی حضرت امام مجتبی / زهره
 دهدشت؛ با نظارت عبدالحسین طالعی.
 مشخصات نشر: تهران؛ مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۰۷-۶
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب حاضر بازنویسی منتهی‌الآمال نوشته حاج شیخ عباس قمی باب
 چهارم است.
 موضوع: حسن بن علی علیه السلام، امام دوم، ۳-۵۰ ق. چهارده معصوم، سرگذشت‌نامه.
 موضوع: Biography - 670 - 624 - Imam II, Hasan ibn Ali
 موضوع: قمی، عباس، ۱۳۱۹-۱۲۵۴. منتهی‌الآمال. اقتباس‌ها.
 شناسه افزوده: طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰. ناظر.
 شناسه افزوده: قمی، عباس، ۱۳۱۹-۱۲۵۴. منتهی‌الآمال. برگزیده.
 رده‌بندی کنگره: BP ۳۶
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۸۱۶۰۰

این اثر از محل نذورات فرهنگی منتشر می‌گردد



انتشارات نبأ

گزارشی مختصر و روان از

زندگانی حضرت امام مجتبی علیه السلام

برگزیده‌ی منتهی‌الآمال

زهره دهدشت

با نظارت: عبدالحسین طالعی

حروفچینی: انتشارات نبأ / صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ و صحافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۸ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۰۷-۶

ISBN 978 - 600 - 264 - 107 - 6

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	نکته دیگر
۱۷	فصل ۱: ولادت تا شهادت
۲۳	فصل ۲: برخی از فضایل و مکارم اخلاقی حضرت امام حسن علیه السلام
	فصل ۳: برخی از حالات و سیره امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از شهادت امیر
۳۷	المؤمنین علیه السلام و دلایل صلح آن حضرت با معاویه
۳۷	مقدمه
۳۸	نخستین خطبه امام مجتبی پس از شهادت پدرش علیه السلام
۴۶	به سوی شهر انبار
۴۸	به طرف نخيله
۵۷	صلح نامه
۵۹	فرود آمدن معاویه در نخيله
۶۰	ورود معاویه به کوفه

بیعت گرفتن معاویه از بزرگان قوم ۶۲

واکنش ها در برابر امام (ع) پس از بیعت ۶۳

فصل ۴: شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) ۶۵

روز شهادت حضرتش و مدت عمر آن جناب ۶۵

وصیت نامه حضرت ۷۷

فضیلت گریه بر آن جناب و زیارتش ۸۵

فصل ۵: جنایات معاویه در قتل و نهب شیعیان امیرالمؤمنین بعد از شهادت

حضرت امام حسن (ع) ۸۷

فصل ۶: فرزندان و نوادگان امام حسن (ع) و شرح احوال برخی از

ایشان ۱۰۷

فرزندان امام مجتبی (ع) ۱۰۷

زیدبن حسن (ع) ۱۱۰

حسن بن حسن (ع) ۱۱۴

عبدالرحمن بن حسن (ع) ۱۱۹

حسین بن حسن (ع) ۱۱۹

طلحه بن حسن (ع) ۱۲۰

دختران امام حسن (ع) ۱۲۰

فرزندزادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۲۱

شرح حال فرزندان ابوالحسن زیدبن الحسن بن علی بن

ابی طالب (ع) ۱۲۱

حسن بن زید و فرزندان او ۱۲۲

نخستین فرزند زید. ابومحمد قاسم ۱۲۵

۱۲۶	دومین فرزند زید، محمد بطحانی
۱۲۸	دیگر فرزندان زید بن حسن
۱۲۹	ابوالحسن علی بن حسن بن زید بن الحسن علیه السلام
۱۲۹	حضرت عبدالعظیم حسنی
۱۳۴	ابوطاهر زید بن حسن بن زید بن الحسن علیه السلام
	شرح حال داعی کبیر: امیر حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن
۱۳۶	حسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام
۱۳۹	برادر داعی، محمد بن زید الحسنی
۱۴۴	فرزندان حسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام
۱۴۷	قتیل باخمری (کشته شده در وادی باخمری)
۱۵۴	یحیی بن عبدالله محض صاحب دیلم
۱۵۹	سلیمان بن عبدالله محض
۱۵۹	ادریس بن عبدالله محض
	شرح احوال ابراهیم بن الحسن بن الحسن المجتبی علیه السلام و ذکر فرزندان
۱۶۳	او
	شرح حال ابوعلی حسن بن الحسن بن الحسن المجتبی علیه السلام و ذکر
۱۶۹	فرزندان او و شرح واقعه فتح و شهادت حسن بن علی و غیره
۱۷۴	شهید فتح
۱۷۷	مقتل شهید فتح
۱۸۶	جعفر بن حسن مثنی و اولاد او
۱۸۹	داوود بن حسن مثنی و فرزندان او
۱۹۰	شرح نسب طاووس و آل او و اندکی از حال بنی طاووس
۱۹۶	خاتمه
۲۱۰	شرح ماجرای کشته شدن «نفس زکیه»

۲۱۹ شرح ماجرای کشته شدن ابراهیم «قتیل باخمی»

۲۳۰ حسن ختام: قصیده در رثای امام مجتبی (ع)

۲۳۶ ترجمه

۲۴۳ مستندات فصل اول

۲۴۸ مستندات فصل دوم

۲۵۷ مستندات فصل سوم

۲۶۸ مستندات فصل چهارم

۲۸۰ مستندات فصل پنجم

۲۸۵ مستندات فصل ششم

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

[1]

«آنه سيكون بعدى هاديا مهديا، هدية من رب العالمين لى، ينبى عنى، و يعرف الناس آثارى و يحيى سنتى، و يتولى أمورى فى فعله، و ينظر الله تعالى اليه، و يرحمه، رحم الله من عرف له ذلك و برّنى فيه، و أكرمنى فيه»^۱

رسول خدا ﷺ با اشاره به امام حسن مجتبیٰ (ع) فرمود:

«او پس از من هدایتگر و هدایت شده خواهد بود. هدیه‌ای است از خدای جهان‌ها برایم. از سوی من خبر می‌دهد، آثار مرا به مردم می‌شناساند، سنتم را زنده می‌دارد و امور مرا با کارهایش سرپرستی می‌کند.

خدای تعالی به سوی او نظر می‌کند و بر او رحمت می‌آورد.

خدای رحمت آرد بر کسی که به چنین معرفتی در باره اش گردن
نهد، و در باره اش به من نیکویی کند، و مرا در مورد او گرامی
دارد».

سبط اکبر رسول و پاره تن زهرای بتول، امام حسن مجتبی (ع)،
محبوب خدای رب العالمین و محب آفریدگان الهی در هر زمان و هر
زمین، سر سلسله رشته هدایت پس از شهادت جانگداز پدر
بزرگوارش امیر مؤمنان است، بلکه وارث کمالات و همزمان وارث
تنهایی و مظلومیت حضرتش.

آن امام همام، در وطن غریب است، در میان خانه غریب، در هنگام
دفن غریب، در مزارش غریب، در میان دشمنان و حتی دوستان غریب.

[2]

در پاره سبط اکبر رسول رحمت، آثار مکتوب، اندک شمار است و
کیفیت آن ها نه چندان قابل دفاع. بگذریم از چند کتاب معتبر یا
تحلیلی، آثار موجود چندان قابل ارائه نیست. دشمنان با ایجاد اختناق،
راه بر نشر حقایق حسنی بستند و دوستان در حضرتش در هاله ای از
غفلت گرفتار آمدند. پیامد این غفلت و آن اختناق، همین شد: یک عمر
کمتر از نیم قرن و یک دنیا سؤال و ابهام و شبهه و تردید. خواستند
خورشید را به گل پیوشانند که نتوانستند، چون این نور حق را خدای
رب العالمین نگاهبان بوده و هست.

باری، در میان این آثار، کتاب شریف منتهی الآمال جایگاهی ویژه
دارد؛ کتابی مشهور، اما ناشناخته، از محدثی نام آور که ابعاد شخصیت
او همچنان در حجاب شهرتش مانده و معرفی نشده است.

این کتاب گرامی، از بدو نگارش تا کنون - که نزدیک به نود سال

می‌شود. به شکل‌های مختلف، منتشر شده است؛ متن کتاب، ترجمه‌های مختلف، گزیده‌های متنوع، و تلخیص‌ها و اقتباس‌ها و ...
اما این دفتر به گونه‌ای دیگر بر محور منتهی الآمال سامان یافته است؛ با محوریت بازنویسی آن کتاب گرامی، به تفصیلی که در سطور آینده بیان می‌شود.

[3]

در این دفتر، باب چهارم منتهی الآمال که اختصاص به امام مجتبی علیه السلام دارد، باز نویسی شده است.

گام‌هایی که در فرآیند این بازنویسی طی شده چنین است:
۱. تقسیم کتاب پر برگ و بار منتهی الآمال به دفترهایی کم حجم و خوش‌خوان

۲. بازنویسی عبارات متن به فارسی روان فعلی

۳. بازیابی منابع منقولات کتاب از چاپ‌های فعلی

۴. توضیح نام‌های اماکن، شخصیت‌ها، کتاب‌ها و دیگر اعلام در

پانویس. همچنین در موارد معدود، افزودن توضیحات برای تبیین برخی از مطالب متن یا پاسخ‌گویی به پرسش‌های مقدّر که در مورد بعضی از مطالب می‌تواند پیش آید.

۵. افزودن مستندات مؤلف بزرگوار در پایان هر فصل. بدین‌سان

حتی آن گروه از خوانندگان گرامی که دسترسی به هیچ‌یک از منابع کهن ندارند، می‌توانند این مستندات را در اختیار داشته باشند.

برای تعیین مصادر کتاب (بند سوم)، از تحقیق استاد ناصر باقری

بیدهندی نیز استفاده کرده‌ایم (چاپ دلیل‌ما).

[4]

منتهی الآمال به شیوه سنتی است یعنی نقلی محض. تحلیل و بررسی تاریخی را از منابع جدید باید طلب کرد. با این حال، این شیوه از آن حیث که مواد خام را بی تصرفی به انسان می‌رساند، حسن آن این است که دست او را برای تحلیل‌های جدید بازگذارد و هیچ کار تحقیقی از آن بی‌نیاز نیست.

کتاب به دو مجلد مستقل تقسیم می‌شود: در جلد اول، مطالب مربوط به حضرتش را می‌خوانیم، یعنی درون مایه پنج فصل از باب چهارم ارائه می‌شود. و در جلد دوم، مطالب مفید مربوط به فرزندان و نوادگان حضرتش می‌خوانیم.

نکته مهم در باب درون مایه این دو مجلد آن‌که: جلد اول، بیشتر متکی به آثار سنی‌ها (به شیوه برخی از آثار امامتی) است. به شیوه شماری از آثار فرزندان شیعی که احتجاج با مخالفان را هدف گرفته‌اند. لذا در مورد قبول تمام مطالب و استناد به آن‌ها احتیاط لازم است. در جلد دوم نیز، مطالب برگرفته از منابع تاریخی است. و طبعاً اعتبار آن‌ها به اندازه احادیث شیعی نیست.

به هر حال، ارزیابی منابع و درجه‌بندی آن‌ها، ضرورت مطالعه نقادانه متون است که بدون آن خطاها تکثیر می‌شود و گاهی ذهن درگیر به حل مشکلی می‌شود که گره با ارزیابی علمی به سادگی قابل گشودن بود.

[5]

نوع بیان محدث قمی تلفیق تاریخ، حدیث، رجال، تراجم، مواعظ، عبرت گرفتن، ادبیات، و... است. یعنی تاریخ و سیره را برای عبرت

گرفتن می‌نویسد نه محض پژوهش تاریخی. لذا وارد جزئیات و اختلافات تاریخی که در کتاب‌های پژوهشی است نمی‌شود. گاهی در یک مطلب که اقوال مختلف هست به یک قول اکتفا می‌کند بدون این که ترجیح خاصی برایش قائل باشد.

در مرحله نقد و بررسی محتوای کتاب، باید به این نکته توجه جدی داشت.

نکته دیگر

نهایت اختناق در فضای زمان امام مجتبی علیه السلام را در فصل پنجم ببینید. در چنین اختناق فراگیری چه می‌توان کرد؟ بررسی تاریخ، زمانی به نتیجه صحیح می‌رسد که امور را در فضا و فرهنگ خودش بررسی کنیم، نه فضایی که خودمان در آن هستیم.

[6]

ممکن است این پرسش مطرح شود: آیا امام حسن علیه السلام عواقب امور را می‌دانست یا نه؟ اگر می‌دانست چرا مانع آن نشد؟ و اگر نمی‌دانست چرا ادعای علم امام می‌کنید؟

جواب این سؤال به تفصیل در جای خود بیان شده است. ولی در این جا فقط به چند نکته، آن هم به اختصار اشاره می‌شود.

یکم. باید با تمام وجود باور داریم که امام معصوم، عبد خدا است و می‌خواهد وظیفه عبودیت را به خوبی ادا کند. لذا هر جا از اراده الهی نسبت به خود آگاه شود، به اختیار تسلیم آن می‌شود. دقت کنید که این امتیاز ویژه حجت‌های معصوم الهی است که از اراده خداوند بطور جزئی و دقیق آگاه باشند، و هر کسی را نرسد که چنین ادعا کند. به علاوه

همین تسلیم بر مبنای اختیار، خود مقامی است که تنها معصومان به اوج آن دست می‌یابند.

دوم. اساساً انسان کارهای خود را از روی اراده انجام می‌دهد نه علم. بسا مواردی که فردی نسبت به پیامدکاری خبر دارد، ولی این خبر داشتن او را از آن کار باز نمی‌دارد. نمونه روشن و رایج آن استعمال مواد دخانی توسط مردم است، با آن‌که از زیان‌های آن خبر دارند و نسبت به آن زیان‌ها اطمینان دارند. ولی به اراده خود بدان روی می‌آورند و به اراده خود آن را ترک می‌کنند. علم در این میان فقط نقش مقدمه‌ای دارد که الزام‌آور نیست.

لذا امام معصوم بر مبنای اراده خود به وظیفه عبودیت عمل می‌کند، نه بر اساس علم خود به آینده. به تعبیر دیگر، امام تنها زمانی از علم الهی خود استفاده می‌کند که رضای خداوند را در این استفاده بدانند. بدین روی، در بیشتر موارد زندگی فردی و اجتماعی خود، مانند یک بشر عادی، ظواهر را مبنای عمل خود می‌گیرد. این نکات، در کتاب‌های مربوط به امامت به تفصیل آمده و در این جا به اجمال اکتفا شد.

[7]

این پرسش نیز می‌تواند مطرح شود که فایده نقل وقایع بنی‌الحسن (در دفتر دوم) با این همه طول و تفصیل چیست؟

در پاسخ باید گفت: بنی‌عباس در زمانی روی کار آمدند که بنی‌امیه هرچه توانستند، از ظلم و و جنایت نسبت به مردم فروگذار نکردند. بنی‌عباس در همین فضا و همین شرایط، با استفاده از تنفر مردم از بنی‌امیه، خود را منجی مردم از این یوغ ستم‌شناسانند و برای خود

محبوبیت خریدند. اما پس از تسلط، به جنایاتی دست یازیدند که ستم‌های بنی‌امیه را از یادها بردند.

تفاوت آن‌ها با بنی‌امیه در این بود که امویان خود را به ناحق خلیفهٔ رسول خدا دانستند، اما عباسیان خود را به عنوان خاندان پیامبر و مصداق «اهل بیت» شناساندند و مخالفان خود را «دشمنان اهل بیت» خواندند. به علاوه عمر حکومت بنی‌امیه به دو قرن نرسید، در حالی که بنی‌عباس پانصد سال بر مناطق وسیعی از جهان که جهان اسلام نام گرفته بود، تسلط داشتند.

تظاهر به علم و فرهنگ در میان شماری از این خلفا مانند منصور و مأمون، چهره‌ای ظاهر فریب از آن‌ها ساخته است که هنوز هم در میان خاورشناسان، آنان را حاکمانی روشنفکر و آزاداندیش می‌دانند.

در این میان چه عاملی می‌تواند حقیقت را روشن کند به جز گزارش برخورد‌های این حاکمان با دودمانی که به راستی فرزندان پیامبر بودند و ظلم و ستم حاکمان مردم فریب را تاب نمی‌آوردند؟ سادات بنی‌الحسن در برابر چنین جنایاتی ایستادند و ستم‌هایی تحمل کردند که حتی شنیدنش امروز بیرون از حدّ تحمل است، چه رسد به استوار ماندن در چنان فضایی.

بدین‌روی، کمترین فایده‌اش شناخت ظلم بنی‌العباس است که نقاب تقدس از چهرهٔ چنان فریبکارانی برگردد و سیمای راستین آنان را نشان دهد.

[۸]

این کتاب از محلّ نذر فرهنگی به چاپ می‌رسد که جناب سید علی سیدآقامیری برای ترویج فرهنگ شیعی و گسترش معرفت نسبت به

اهل بیت (ع) بدان اهتمام می‌ورزد.

همچنین تلاش جدی سرکار خانم زهره دهدشت برای بازنویسی و ویرایش جدید، راه را برای عرضه این دو دفتر هموار ساخت. در این جا باید از هر دو بزرگوار و دیگر عوامل تولید این فرآورده فرهنگی تقدیر کرد. توفیق همگی را از خدای بزرگ به دست گره گشای امام عصر ارواحنا فداه آرزو داریم.

این دفتر، حلقه‌ای از سلسله «بازنویسی منتهی الآمال» است که تاکنون بازنویسی باب دوم و باب چهاردهم آن منتشر شده است. امید آن‌که در آینده نزدیک، باروری کامل این سلسله را شاهد باشیم.

www.ketab.ir